

تأثیر تعدیل قراردادهای دولتی و تقویت طرف ضعیف قرارداد بر ارتقای استاندارد و کیفیت پروژه های دولتی

کریم فرهادی^۱دکتر خیراله پروین^۲دکتر محمد حسن حبیبی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۱۵

چکیده

قرارداد به عنوان مظهر اراده دو یا چند نفر در ایجاد یک اثر حقوقی، از دیرباز نقش بسیار مهمی در تنظیم روابط میان افراد و بعد تر در تنظیم رابطه بین دولت ها و اشخاص داشته و دارد. اصل بر برابری طرفین در قراردادها است اما ویژگی های خاص قراردادهای دولتی از جمله الحاقی بودن این قراردادها و اولویت داشتن منافع عمومی بر منافع خصوصی، وضعیتی را ایجاد می کند که اصل برابری طرفین مخدوش و موجب ضعف طرف خصوصی در قراردادهای دولتی می شود. از طرف دیگر لزوم رعایت شاخص های حکمرانی خوب از طرف حاکمان در قرن بیست و یکم، دولت ها را مجبور کرده است که با قبول ایجاد ساز و کارهایی نابرابری موجود را تعدیل و از طرف ضعیف حمایت کنند. در این راستا ساز و کار تعدیل نقش و جایگاه بی بدیلی در حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای دولتی دارد. این سازوکار به طرف های ضعیف این امکان را می دهد که با برگرداندن تعادل معاوضی قرارداد، منافع مشروع خود را بدست آورند و جایگاه خود را در چرخه اقتصادی حفظ نمایند. بنابراین این سازوکار با حمایت از بخش خصوصی و تقویت آن در نهایت به رشد اقتصادی کشور و ارتقای استاندارد کمک می کند.

کلید واژه: استاندارد، تعدیل، طرف ضعیف، قرارداد دولتی، کیفیت

^۱ دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس، بندر عباس،

ایران farhadikarim@yahoo.com

^۲ استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) kheyrolahparvin@gmail.com

^۳ عضو هیات علمی گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. استاد مشاور mhabibi@ut.ac.ir

عدم رعایت اصل برابری در قراردادهای دولتی ایجاب می‌کند در مواردی در راستای حمایت از طرف ضعیف قراردادهای دولتی، تعدیل‌هایی در قرارداد صورت گیرد یا شرایطی حادث شود که در زمان انعقاد قرارداد آن شرایط به گونه‌ای دیگر بوده است. همان گونه که آن شرایط باید حتماً در جهت پیشبرد مصالح طرح و براساس تحقق مصالح عمومی باشد؛ نه به صورتی که برای متعهد الزامات مالی جدید (له یا علیه) ایجاد کند.

همچنین اثر پذیرش تئوری امور غیرقابل پیش بینی بر قرارداد، تجدیدنظر در مفاد آن یا به عبارت دیگر تعدیل قرارداد است که به طرق گوناگون امکان پذیر است. تعدیل قرارداد از طرفی باعث می‌شود از ایجاد خسارت و ضرر بیشتر بر متعهد جلوگیری شود و وی بتواند مخارج اضافی‌ای را که به واسطه امور غیر قابل پیش بینی بر او تحمیل شده، جبران نماید و از طرف دیگر، اجرای قرارداد با عدالت و انصاف ادامه یابد.

در تشریح تعدیل می‌توان گفت در نقطه مقابل حقوقی که اداره می‌تواند به آن متوسل شود، پیمانکار نیز از شروط فوق العاده‌ای^۴ برای جبران خسارت‌هایی که به وی وارد می‌شود برخوردار است. پیمانکار نیز حقوقی به واسطه اعمال یک جانبه که از طرف اداره برای او در نظر گرفته شده، دارد. این حقوق به واسطه تاوان هر گونه زحمتی که بی‌مزد مانده، لحاظ گردیده است. به طور کلی مبانی تعدیل در نظریه عدالت معاوضی و تعدیل قیمت با رویکرد تحلیل اقتصادی است. در نظریه عدالت معاوضی فرض این است که عدالت ایجاب می‌کند دو طرف قرارداد، در یک شرایط متعادل باشند و پسندیده نیست که یک طرف متحمل هزینه و تعهد نابرابری شود. بنابراین هنگامی که قیمت مصالح و هزینه پیمانکار بر خلاف برآورد اولیه ناگهان افزایش می‌یابد، عدالت معاوضی ایجاب می‌کند که سنگینی بار این افزایش ناگهانی هزینه بر دوش پیمانکار تنها نباشد و بخشی از آن بر دوش کارفرما قرار گیرد. در نظریه تعدیل با رویکرد تحلیل اقتصادی توجه به اثرات افزایش قیمت‌ها در بازار و نهایتاً تأمین منافع دو طرف است.

تهیه مصالح برای اجرای قرارداد و همچنین هر گونه مبلغ ایجادکننده خسارت که به واسطه فسخ قرارداد، پیمانکار متحمل آن می‌شود را شامل می‌گردد. علاوه بر این، هر گونه گسترش و افزودن بر حجم تعهدات قراردادی به لحاظ قیمت باید از طرف اداره پوشش داده شود. این تنها بخشی از دکترین عمومی حقوق اداری است که به موجب آن هیچ شخصی نباید خسارتی را بیش از آنچه معقول و مورد انتظارش بوده، متحمل شود. این مهم را مقام‌های اداری باید در اجرای خدمات عمومی مدنظر قرار دهند.

الف: انواع تعدیل

تعدیل قرارداد ممکن است به اختیار دو طرف یا خواست یکی از آنها و تصمیم دادگاه یا به حکم قانون باشد که به ترتیب «تعدیل قضائی»، «تعدیل قانونی» «تعدیل قراردادی» نام دارد.

۱) تعدیل قانونی

در زمینه قانون، به طور مستقیم یا غیر مستقیم مورد یا شرط مندرج در ضمن قرارداد انشائده به وسیله طرفین، قرارداد را تغییر می دهد.^۵ به عبارت دیگر، جبران خسارت ناشی از عوامل اقتصادی، مدنظر قانونگذار قرار گرفته و ریشه این تعدیل به صورت قانون در آمده است.^۶ در توجیه مبنای این نوع از تعدیل باید گفت با آنکه حفظ تعادل قراردادهای و احترام به پیش بینی های دو طرف ایجاب می کند قرارداد، تابع زمان انعقاد خود باقی بماند و قوانین جدید بر آثار قراردادهای در حال جریان حکومت نداشته باشند، اما در هر کجا که قانونگذار مصلحت بداند یا نظم عمومی ایجاب کند می تواند قانون جدید را بر قراردادهای پیشین حاکم سازد؛ نوع دوم از تعدیل قانونی نه به موجب قانون مؤخر، بلکه در خود قانون اولیه حاکم بر قرارداد به سود زیان دیده پیش بینی گردیده است و دادگاه را مکلف یا مختار به تعدیل قرارداد می کند. منشأ دستور تعدیل، در قانون است و تمیز مصداق و اجرای آن با دادگاه؛ تعدیل قانونی در متن شرایط عمومی پیمان هم پذیرفته شده است. همان طور که می دانیم مدت اجرای قراردادهای پیمانکاری معمولاً طولانی است و دل بستن به شرایط موجود در کشور برای پیمانکاری که هر روزه شاهد نوسانات اقتصادی از جمله افزایش مواد اولیه و خام، مزد کارگر و... است آثار نامطلوبی به بار می آورد. بنابراین ممکن است دادگاه ها در صورت اختلاف کارفرما و پیمانکار، با توجه به دلایل و اسناد و نظریه کارشناس، اقدام به تعدیل آحادبها کنند.^۷ ساز و کارهای تعدیل آحادبها در قراردادهای اداری در ایران، مسئله ای بود که سالها مورد سوء استفاده برخی از پیمانکاران قرار می گرفت و منافع مالی در خور توجهی را برای آنها به همراه داشت. با حذف مقررات تعدیل یا کاربرست حداقلی آن، نه تنها مشکلات پیمانکاران حل نخواهد شد، بلکه از حیث تأخیر در اجرای پیمان و مسائل دادگاهی برای دولت و منافع عمومی متضمن ضرر خواهد بود. بنابراین، تعدیل باید در بردارنده ساز و کارهایی باشد که در پرتو نفع عمومی جامعه، به منافع پیمانکاران نیز توجه نماید.

۲) تعدیل قضائی

تعدیلی که بر اساس حکم قاضی دادگاه، به منظور ایجاد موازنه مالی در قرارداد انجام می شود، تعدیل قضائی است؛ یعنی تعدیلی که در قرارداد، پیش بینی نشده و قانونگذار، شرایط عمومی جواز تعدیل قرارداد را پیش بینی کند و دست قاضی را در تشخیص تحقق یا عدم تحقق امکان تعدیل، در مصداق مدنظر باز گذارد. یکی از حقوق دانان در تعریف تعدیل قضائی گفته است:

^۵ . مهدی شهیدی، آثار قراردادهای و تعهدات، ج ۱، تهران: مجلد، ۱۳۸۲، ص ۷۴ .

^۶ . امیر نوریان، «آثار حقوقی قرارداد اداری موضوع شرایط عمومی پیمان»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ۱۳۷۵، ص ۶۲ و امیر حسین آبادی، «تعادل اقتصادی در قراردادهای (تعادل قضائی)»، نشریه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۱ و ۲۲، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷، ص ۴۳ .

^۷ . سعید بیگدلی، تعدیل قرارداد، ج ۱، تهران: میزان، ۱۳۸۶، ص ۷۰۳ و محمدحسن صادقی مقدم، تغییر در شرایط قرارداد، ج ۱، تهران: دادگستر، ۱۳۷۹، ص ۱۷۶ .

تعریف تعدیل قضایی از دو جهت قابل انتقاد به نظر می‌رسد: اول آنکه مبنای استناد به تعدیل، شرط ضمنی قرار داده شده است؛ در حالی که مبنای دیگری نیز در خصوص تعدیل مطرح شده اند. دوم آنکه مقصود از شرط ضمنی آن است که طرفین قرارداد در موقع انعقاد آن، به برابری نسبی آن نظر داشته اند و به طور ضمنی شرط کرده اند که در صورت تغییر اوضاع و احوال، عقد و مندرجات آن قابلیت تغییر داشته باشد. در صورت تأیید این نظر برای بازبینی عقد، چنین تعدیلی تعدیل قراردادی خواهد بود نه تعدیل قضایی؛ زیرا وقتی طرف های یک قرارداد به هنگام انعقاد، شرایطی را جهت دگرگونی تعهدات خود در نظر داشته باشند، تعدیل از نوع قراردادی است. وی تعدیل قضایی را چنین تعریف کرده است: «تعدیل قضایی عبارت است از اینکه، قاضی به استناد حکمی کلی که در قانون آمده و به او چنین اختیاری داده یا با استنباط از مواد مختلف قانونی یا قواعد حقوقی پذیرفته شده، مفاد قرارداد منعقد شده بین افراد را پس از نابرابر شدن تعهدات آنها در اثر حوادث غیرقابل پیش بینی، مورد بازبینی و تغییر قرار دهد».^۸

چنان که اصل ۱۶۷ ق.ا.مقرر می دارد قاضی حکم هر دعوی از جمله جواز برای اعمال تعدیل را باید در قانون موضوعه پیدا کند و به خودی خود صلاحیت و اختیاری برای تعدیل قرارداد ندارد. بنابراین ممکن است گفته شود به دلیل آنکه منشأ دستور برای جواز تعدیل از سوی قانونگذار داده شده، علی رغم تمیز مصداق و اجرای آن توسط دادگاه، باید این نوع تعدیل را نیز تعدیل قانونی دانست. پس وجه تمیز دهنده تعدیل قانونی از تعدیل قضایی چیست؟

در پاسخ باید گفت وقتی از لفظ «قضایی» در مقابل لفظ «قانونی» استفاده می شود، این لفظ، بدون اینکه قانون در آن مورد خاص، صریحا اعلام نظر نموده یا تکلیف قضیه را به طور قطعی و محصور و محدود تعیین کرده باشد، بیانگر اختیار و قدرت خاصی برای دادگاه است. تعدیل قضایی نیز همچون تعدیل قانونی، مشروعیت خود را از قانون می گیرد. هرگاه قانونگذار در موضوعی کلی، بدون پیش بینی کردن مواردی خاص با تعیین شرایط و محدودیت‌های گوناگون، اقدام به تقنین نماید و تشخیص جزئیات و کیفیت تحقق موضوع را به قاضی بسپارد یا حتی بی آنکه مقرره‌ای وضع کند و قضات از مجموع قوانین و مقررات حکم خاصی را استنباط نمایند، این موارد شامل تعدیل قضایی خواهد بود. پس در موارد ذکر شده، دیگر نمی توان قاضی را مجری صرف قانونگذار دانست؛ بلکه او در تعیین صلاحیت موضوع برای تعدیل و تشخیص عادلانه بودن عمل قانونگذار در هر مورد خاص نظر میدهد و تا حدودی در حریم قانونگذار وارد می شود.^۹ البته قاضی محکمه نباید بار مشکلات ناشی از حادثه ای را که موجب تعدیل قرارداد شده، تنها به یکی از طرفین تحمیل نماید. رویه قضایی کشور ما تا به حال در خصوص تعدیل قضایی مسکوت مانده است. در ایران، ابتدا تعدیل به صورت قراردادی و قانونی پذیرفته شد و به محاکم راه یافت؛ اما در کشور فرانسه در ابتدا تعدیل به صورت قضایی با رأی شورای دولتی این کشور مطرح شد و پس از آن به صورت قانون در آمد.

^۸ . سعید بیگدلی، تعدیل قرارداد، ج ۱، تهران: میزان، ۱۳۸۶، ص ۳۴۷ .

^۹ . همان، ص ۳۴۷ .

در نظام حقوقی فرانسه باز هم تعدیل قضائی به صورت امری استثنایی پذیرفته شده است. چنان که مشخص است قرارداد اداری نمی تواند بدون رضایت یک فرد با استثنائات مشخص بر وی تحمیل شود و همچنین بدون رضایت یک طرف نمی تواند به صورت یکجانبه توسط طرف مقابل تغییر کند. در پرونده ای^{۱۰} در فرانسه یک شرکت خصوصی، خدمت رسانی برخی از استخرهای شنا را به موجب قرارداد امتیاز بر عهده گرفته بود. بر مبنای یک محاسبه اشتباه که بعدها معلوم شد اگر حق الزحمه شرکت بر مبنای توافق صورت گرفته در قرارداد به صورت کامل پرداخت می شد، تنها کفاف جبران خسارات وارد شده بر شرکت را میداد. در این پرونده، شرکت خصوصی تقاضای تعدیل قیمت و کاهش پرداخت را نمود. شورای دولتی با این درخواست موافقت نکرد و در جواب گفت: «این پذیرفته شده نیست که قضات بتوانند شروط قراردادی را که طرفین آن را به طور آزادانه پذیرفته اند، اصلاح کنند. در غیاب شرط ضمن عقد برای تجدید نظر در نرخ قابل پرداخت، پیمانکار حق تعدیل شروط ثابت قرارداد را به واسطه رهایی از تحمل شرایط دشوار ندارد.» این قاعده در خصوص هر دو طرف قرارداد اعمال می شود (هم در مورد اداره که در راستای منافع عمومی از قدرت خود استفاده می کند و هم در مورد پیمانکار) و هیچ یک از طرفین نمی توانند تغییر قراردادی را که سابق بر این بدان ملحق شده، خواستار گردند. البته اداره می تواند در درجه نخست، شروطی را به پیمانکار تحمیل کند.

در مجموع، در حقوق نوین، عنصر بازیافت و ترمیم کنندگی به عنوان بخشی از ضمانت اجراهای مدنی در حال گسترش است و گواه آن توسعه جایگاه تعدیل های قانونی، قراردادی و قضائی در حقوق خصوصی و تفسیرهای تازه به عنوان اصلی است که به موجب آن تغییر اساسی اوضاع و احوال باعث متروک شدن معاهده یا کاهش نیروی الزام آور قانون می گردد و در مواردی به تجدید نظر در قرارداد منجر می شود.^{۱۱} با وجود این، برخی از حقوق دانان در راستای عدم اختیار قاضی، به این قاعده سنتی اشاره کرده اند که دادگاهها نمی توانند دست به انعقاد قرارداد برای طرفین بزنند و چنین قاعده ای را بر اصولی چون آزادی اراده و قداست عقود مبتنی سازند. به نظر می رسد این تحلیل سنتی، خاص حقوق خصوصی و قراردادهای خصوصی بین افراد باشد و منطق حاکم بر حقوق عمومی در راستای تغییر و تحول در اصول قراردادهای اداری، اجازه اعمال تعدیل قضائی را به قاضی اداری بدهد. هر چند در حقوق خصوصی نیز بیان شده که جمود در اجرای تعهد، در تغییر اوضاع و احوال اقتصادی نمی تواند منطق مناسبی باشد. وفای به عهد، منطقی و اخلاقی است؛ اما در صورت ایجاد دشواری طاقت فرسا بر دوش یکی از طرف ها به نظر نمی رسد منصفانه و حتی اخلاقی باشد.^{۱۲} اما اگر تعدیل به صورت اول و دوم، یعنی تعدیل قراردادی و قانونی، پیش بینی شده باشد آیا اعمال تعدیل قضائی از جانب قاضی محکمه، امکان

10. Societe d'Entreprise

۱۱. محمد کاظم عمادزاده، حقوق بین الملل عمومی، ج ۲، تهران: اتنا، ۱۳۷۰، ص ۶۱ و حیدر دراهکی، «تعدیل به عنوان یکی از طرق جبران خسارت»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان، ۱۳۷۷، ص ۷۴.

۱۲. علیرضا یزدانین، «تعدیل تعهدات قراردادی بر پایه اصول و قواعد حاکم بر فقه اسلامی»، نشریه علوم انسانی ش ۸۲ زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۳۴.

پذیر است؟ در پاسخ باید گفت چنانچه در قراردادی تعدیل به شکل قراردادی یا قانونی انجام شود، ولی هدف غایی و نهایی از تعدیل (که عدم تحمل ضرری ناروا بر یکی از طرفین با در نظر گرفتن سودی معقول برای طرف دیگر است محقق نگردد) مانعی برای اعمال تعدیل قضائی از جانب قاضی وجود ندارد؛ به عنوان مثال در قراردادی یکی از طرفین در تهیه مواد خام و اولیه برای تولید کالایی خاص، تنها شرایط داخلی کشور را مدنظر قرار میدهد و بر این مبنا با توافق طرف مقابل، شروط مندرج برای تعدیل را قید می‌کند. حال اگر تعدیل قانونی نیز برای وصول به مقصود کافی نباشد، به نظر می‌رسد که می‌توان به تعدیل قضائی توسل جست؛ چرا که به هر حال ضرر غیر متعارف به نحوی باید برطرف گردد و از تحمیل هزینه‌های گزاف بر زیان دیده جلوگیری شود.

۳) تعدیل قراردادی^{۱۳}

تعدیل قراردادی ممکن است به دو صورت انجام گیرد اول آنکه طرفین در زمان انشای قرارداد، تحقق تعدیل را در صورت پیدایش شرایط جدید پیش بینی و درباره آن توافق کنند.^{۱۴} در این مورد شروطی به منظور تعدیل در قرارداد درج می‌شوند که به «شروط تعدیل کننده»^{۱۵} معروف اند. این شروط گاه مربوط به تغییرات ناشی از کاهش ارزش پول و گاه مربوط به نوسانات ناشی از قیمت قراردادی است.^{۱۶} اگر درباره تعدیل مدنظر، اختلافی رخ دهد، طرفین راهی برای آن پیش بینی می‌کنند؛ برای مثال فرد معتمدی را داور خود می‌سازند یا به درخواست کننده اجازه رجوع به دادگاه و کسب نظر کارشناسی را میدهند؛^{۱۷} صورت دوم آن است که طرفین در ضمن اجرای قرارداد متوجه می‌شوند که انجام کار و ادامه اجرای آن با نرخهای پیش بینی شده، امکان پذیر نیست. البته کاستن از کیفیت کار حتی با توافق طرفین، حداقل در قراردادهای دولتی نمی‌تواند به عنوان راهکاری مناسب برای تحقق تعدیل در قرارداد، پذیرفته شود؛ مثلاً در حین اجرای یک پروژه عمرانی (ساختن سد، نیروگاه و...) مصالح به شکل غیرعادی گران یا نایاب می‌شود با دستمزد کارگران به شدت افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که طرفین یعنی کارفرما و پیمانکار در می‌یابند که باید در مفاد قرارداد، تجدید نظر کنند. ممکن است تعدیل به شکل اول و در زمان انعقاد قرارداد، در مفاد آن ذکر شده باشد و طرفین را بر خلاف حالت قبل که با حسن نیت تعدیل را می‌پذیرند، مجبور به پذیرش این امر نماید؛ بنابراین تعدیل قراردادی یا در متن قرارداد یا پس از انعقاد آن و با تراضی طرفین انجام می‌شود.

تعدیلها باید در قرارداد قابل پیش بینی و در صورت عدم پیش بینی، باید با موافقت طرفین باشد و اداره حق ندارد آن را بر متعهد تحمیل نماید. اضافه کردن خدمات و تأسیسات اضافی در قراردادهای پروژه‌های عمومی یا ساختمان جدید در ساختمان سازی و طرحهای مجتمع سازی

13. contract adjustment

^{۱۴}. مهدی شهیدی، آثار قراردادها و تعهدات، ج ۱، تهران: مجد، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵.

15. the adjusting terms

^{۱۶}. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ج ۱۶، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۵، ص ۳۸۱.

^{۱۷}. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، ج ۳ (آثار قرارداد در رابطه دو طرف و نسبت به اشخاص ثالث)، ج ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، ص ۷۴.

یا کالای جدید در قراردادهای تأمین و تهیه کالا، مگر با شرایط خاص قابل توجیه نیست. در نظام حقوقی برخی از کشورها سازو کار خاصی برای تعدیل، پیش بینی شده است. برای نمونه در اردن قانونگذار به اداره این اختیار را تفویض کرده که در صورت لزوم و نیاز می تواند تغییراتی در جهت پیشبرد طرح، ایجاد نماید. چنانچه هنگام اجرا انجام آن ضروری به نظر رسد و در صورتی این تعدیل یا تغییرها در هزینه های اجرای طرح، بار مالی اضافی تحمیل کند، حتما باید با موافقت وزیر مربوط صورت گیرد.

شیوه معمول در جبران خسارت امور غیرقابل پیش بینی، روشی است تحت عنوان «تعدیل در پیمان دولتی» که دولت (کارفرما) با تعدیل قرارداد، درصدد کمک به پیمانکار و رفع مشکلات وی بر خواهد آمد.

اقتدارات حکومتی و امتیازات اداری در پیمان های اداری یعنی جبران ضرر پیمانکار ضروری است مانند صدور دستور تعلیق اجرای قرارداد یا فسخ قرارداد یا افزایش مقادیر کار یا کالا یا تغییر غیر منتظره یا غیر عادی شرایط محل اجرای پروژه. در حقیقت وقتی دو نفر پیمانی را منعقد می کنند، هر کدام از آنها با در نظر گرفتن دورنمای آینده، حساب سود و زیان احتمالی که منطقه بستن قرارداد را در بر خواهد داشت، با طرف دیگر وارد معامله می شوند و پس از آنکه در کم و کیف مورد معامله و قیمت و مدت و شرایط آن توافق حاصل کردند، پیمان را منعقد می کنند. بنابر این تعهدات آنها که به نظر شان کاملا متعادل و برابر است، برقرار می گردد لکن در طول مدت پیمان گاهی عواملی پیش می آید که اجرای قرارداد را دچار اشکال کرده و در نتیجه، محاسبات و پیش بینی های طرفین معامله و بالاخره موازنه آن را برهم می زند.

مسئله تعدیل در قرارداد پیمانکاری دولتی (قرارداد اداری موضوع شرایط عمومی پیمان) به دلیل اهمیت خود از ابعاد وسیع تری برخوردار است. چرا که این قرارداد اداری وسیله اجرای خدمات به عموم افراد می باشد و تا سر حد امکان دولت (کارفرما) سعی بر حفظ و هدایت این قرارداد در جهت تأمین منافع عمومی افراد دارد. تعدیل قرارداد اداری مذکور بنابر ارزش و اهمیتی که در خصوص انجام و اجرای کامل تعهدات پیمانکار و نهایتا رسیدن به اهداف خاص خود دارد، از موارد مربوط به نظم عمومی بوده و دارای جنبه آمرانه می باشد. بنابراین در صورت بروز عوامل اقتصادی و برهم خوردن تعادل مالی پیمان و در نهایت، خدشه در لازم الاجرا بودن قرارداد اداری مذکور، دولت می باید به شخص پیمانکار جهت انجام تعهدات وی کمک و مساعدت لازم را انجام دهد.^{۱۸}

تعدیل قرارداد از طرفی باعث می شود از ایجاد خسارت و ضرر بیشتر بر متعهد جلوگیری شود و وی بتواند مخارج اضافی ای را که به واسطه امور غیر قابل پیش بینی بر او تحمیل شده جبران نماید و از طرف دیگر، اجرای قرارداد با عدالت و انصاف ادامه یابد.

^{۱۸} . سازمان برنامه و بودجه، دفترچه آحاد بها، ۱۳۵۸ .

ب) شاخص تعدیل

تعدیل قراردادی به طور کلی دارای سه نوع است که عبارتند از: فرمول تعدیل^{۱۹} یا شرط شاخص^{۲۰} یا تعدیل غیر ارادی (بدون نیاز به تراضی مجدد)، کمیته ی تعیین قیمت جدید^{۲۱}، شرط مذاکره مجدد^{۲۲} یا تعدیل ارادی (نیاز به تراضی مجدد). منتهی تعدیل در قراردادهای پیمانکاری دولتی در حقوق داخلی ما، تنها به صورت شرط شاخص یا تعدیل از نوع غیر ارادی است. تعدیل غیر ارادی یا شرط شاخص بیشتر ناظر است به تعهدات نسبت به پرداخت وجه نقد تا انجام عمل یا تسلیم کالای معین. به طور مثال: تعهد کارفرما نسبت به پرداخت وجه نقد مربوط به صورت وضعیت تعدیل در قراردادهای پیمانکاری، منوط یا معلق است به افزایش قیمت مواد اولیه معین یا سطح عمومی قیمت ها که در صورتی که با قواعد آمره تلاقی نداشته باشد، نافذ است، اگرچه درج این شروط، شائبه ی منجر شدن به تورم را به وجود می آورد، اما به دلیل سودمندی آن، مورد پذیرش قرار گرفته است. در نتیجه، هرگاه متعاقدين، شرط را به گونه ای تنظیم کنند که بدون ارادهی ثانوی آنان، اثربخش باشد، تعدیل، بی واسطه یا غیر ارادی صورت گرفته است.^{۲۳} در مورد قراردادهای پیمانکاری می توان چنین گفت که زمانی که پیمانکار صورت وضعیت تعدیل را به کارفرما برای پرداخت ارائه می دهد، تعدیل بر اساس ضرایب یا شاخص هایی که از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعلام شده، بدون این که نیاز به تراضی مجدد طرفین و اراده ثانوی آنان برای تحقق تعدیل باشد، محاسبه می شود قلمرو تعدیل و کیفیت و نحوه محاسبه آن در زمان اجرای قرارداد به یکی از طرفین یا شخص ثالثی واگذار شده باشد یا اینکه برای محاسبهی تعدیل از فرمول هایی که خود ارائه می دهند، استفاده کنند و یا این که برای تحقق تعدیل در زمان اجرای قرارداد به تراضی مجددی از سوی اطراف قرارداد نیاز باشد. در ایران آن دسته از قراردادهای پیمانکاری دولتی، مشمول تعدیل است و آن هم تعدیل از نوع شرط شاخص و به صورت فرمول تعدیل، که مبتنی بر فهرست بها^{۲۴} باشد و به سایر قراردادهای پیمانکاری از جمله قراردادهای سرجمع و نیز قراردادهای درصد - هزینه^{۲۵} که مربوط است به تمام هزینه های اجرایی که پیمانکار بر عهده می گیرد و این که در صورت اتمام کار در مدت زمان پیش بینی شده، سودی به عنوان پاداش به او تعلق می گیرد، به دلیل این که قیمت کل در این گونه قراردادها ثابت و مقطوع است، مشمول هیچ گونه تعدیلی نمی شوند. اما قراردادهای مبتنی بر فهرست بها - که این دسته از قراردادها که قیمت در آن تعدیل می شود نوعی از قرارداد است که قیمت کل در آن بر مبنای فهرست بها که در آن هریک از فهرستهای

19. Escalation formula

20. Clause d' indexation

21. Adjustment Commission

22. Renegotiation clause

۲۳. سعید، بیگدلی، همان، صص ۲۶۱-۲۶۲.

24. Unit price contracts

25. Cost-plus (cost-reimbursement) contracts

واحد بهای پایه در رشته های مختلف که از طرف سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعلام می شود^{۲۶} تعیین می گردد.

ویژگی مهمی که این نوع از قراردادها دارد این است که، ریسک، به طور معقولی بین طرف های پیمان، تقسیم می شود. به همین دلیل است که درخواست زیادی برای انعقاد چنین قراردادهایی داده می شود و در این نوع از قراردادها، پیمانکاران تشویق می شوند تا با تغییر در مقادیر کار، میزان سودشان را بالا ببرند. پس در نتیجه، این نوع از قراردادها برای پروژه هایی پیشنهاد میشود که مقادیر کار در طول اجرای پروژه به طور گسترده ای تغییر می کند و این طبقه بندی قرارداد مبتنی بر فهرست بها، براساس ریسکی است که بابت تغییر کمیت، بر طرفین تحمیل می شود یا این خطر بین طرفین، به اشتراک گذاشته می شود. به عبارت دیگر، خطر ناشی از تغییر قیمت اقلام بر هر دو طرف بار می شود و از آن جایی که قیمت کل عملیات قبل از اتمام پروژه مشخص و قطعی نیست و نیز وجود پیمانکاران مجربی که در سوء استفاده از مناقصات نابرابر خبره هستند، ریسک قرارداد را به کارفرما هم تحمیل می کند.

از دیگر ویژگی های قراردادهای مبتنی بر فهرست بها این است که، کارفرمایان، هزینه های پروژه را بر اساس نمودار یا جداول مربوط به قیمت مقادیر کار، صرف می کنند و این فهرست کمک می کند که هزینه های اتفاقی و تصادفی کاهش پیدا کند و این امکان را فراهم می کند که اگر محاسبه ی قیمت کالایی فراموش شد، در طول جریان اجرای پروژه، برآورد شود و در نتیجه، اختلافات به حداقل ممکن کاهش پیدا می کند.

این نوع از قرارداد، اقسامی دارد که مهم ترین آن ها، قرارداد مبتنی بر فهرست بها که قیمت در آنها ثابت است^{۲۷} و در آن، قیمت کل قرارداد، دقیق و واقعی بر حسب جمع قیمت هر کدام از اقلام که به طور مجزا و تجزیه شده محاسبه شده، مشخص می شود، هم چنین تکمیل واقعی اجرای پروژه نیز، برآورد میشود. منتهی، پیمانکاران باید ریسک ناشی از افزایش قیمت را بر عهده بگیرند. این نوع از قرارداد، برای پروژه های با اجرای کوتاه مدت و یا پروژه هایی با قیمت پایدار، کاربرد دارد.

-دسته ی دیگر، قرارداد مبتنی بر فهرست بهاست که قیمت قرارداد، تعدیل می شود^{۲۸} که در اینقسم، کارفرمایان اند که باید ریسک ناشی از افزایش قیمت ها را بر عهده بگیرند. این دسته از قراردادها، در پروژه های با اجرای طولانی مدت کاربرد دارد.^{۲۹}

اما آن چه که در ایران متداول است، این است که پرداخت به پیمانکار، پس از ارائه ی صورت وضعیتی است که حاوی شرح و میزان کارهای انجام شده است و اگر چنان چه به این کارها و مواد اولیه ی استفاده شده در جریان اجرای کار، تعدیلی تعلق بگیرد، پس از محاسبه ی مهندس مشاور و قبول کارفرما، مبلغ تعدیل نیز به پیمانکار پرداخت می شود. بنابراین همانطور که در

^{۲۶}. بند ۴ از ماده اییوست بخش نامه با موضوع دستورالعمل نحوه ی تعدیل آحادبهای پیمانها، شرایط عمومی پیمان ۱۰۱/۱۷۳۰۷۳، تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵.

^{۲۷}.Fixed unit price contract

^{۲۸}.Adjustable unit price contract

^{۲۹}.Ibid, P.510.

ابتدای بحث اشاره کردیم، قرارداد پیمان مبتنی بر فهرست بها در ایران را می‌توان در گروه دوم، یعنی قرارداد مبتنی بر فهرست بهایی که قابل تعدیل با استفاده از فرمول یا شاخص تعدیل است، گنجانند.^{۳۰}

اما در خصوص قراردادهای مبتنی بر فهرست بها سوالی که مطرح می‌شود این است که، با توجه به این که در این نوع از قراردادها قیمت کل که یکی از عوضین ما باشد در زمان انعقاد قرارداد به طور مقطوع مشخص نیست و پرداخت‌ها در هر مرحله و پس از ارائه‌ی هر صورت وضعیت به پیمانکار انجام می‌گیرد. اگرچه در حقوق ما می‌توان در نفوذ قراردادی که عوض آن در آینده معین نیست، تردید کرد و آن را غرری دانست و میان حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد، بدین صورت که برخی معتقدند، مورد معامله باید در هنگام عقد معین باشد و قابلیت تعیین آن در آینده کفایت نمی‌کند و حکم به بطلان چنین قراردادهایی را داده‌اند^{۳۱}، اما به نظر می‌رسد که هدف، بستن باب منازعه در آینده است و در این راستا همین که عوض در قرارداد قابلیت تعیین در آینده و در زمان اجرای قرارداد را دارد، اگرچه هنگام عقد معین نیست، میتوان حکم به صحت قرارداد داد و حکم به صحت این نوع از قراردادها ترجیح دارد، همان طور که اگر مورد تعهد انتقال مال کلی باشد، کافی است که مقدار و جنس و وصف آن چنان معلوم باشد که در آینده قابل تعیین گردد،^{۳۲} چرا که در عرف قراردادهای پیمانکاری حدود علم به قیمت قرارداد و همان برآورد اولیه مبلغ پیمان برای صحیح تلقی کردن قرارداد، کفایت می‌کنند و نیز تا این اندازه احتمال و تسامح را جایز می‌داند و هم چنین در این خصوص، عرف آن چنان قوی است که سایر منابع حقوق از جمله قانون و دادرس را ناچار به احترام کند، چرا که آن چه که ملاک عمل و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد، لزوم رفع عرفی غرر است که با تخمین با برآورد مبلغ اولیه پیمان در قراردادهای پیمانکاری، جهالت به مقدار مورد معامله مرتفع می‌شود.^{۳۳}

بیان شرط تعدیل قیمت و مقایسه آن با ضریب بهنگام نمودن قرارداد برآورد، تغییر مقادیر کار

و مابه‌التفاوت مصالح که در قراردادهای پیمانکاری دولتی

^{۳۰}. مستفاد از بند ب از ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان که مقرر می‌دارد: «در پیمانهایی که مشمول تعدیل آحاد بها هستند، پساز تایید هر صورت وضعیت موقت از سوی کارفرما، پیمانکار صورت وضعیت تعدیل آحاد بهای آن صورت وضعیت را بر اساس آخرین شاخص‌های اعلام شده محاسبه مینماید و به منظور بررسی و پرداخت به نحوی که در بند (الف) تعیین شده‌است، برای مهندس مشاور ارسال می‌کند».

^{۳۱}. شیخ محمد بن حسن، حر عاملی، (۱۴۲۴.ه.ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۷، چاپ دوم، موسسه‌ال بیت فی احیاء التراث، بیروت، ص ۳۴۱. / سید حسن، امامی، (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ ۲۲، انتشارات اسلامی، تهران، ص ۲۲۰.

^{۳۲}. شیخ مرتضی، انصاری، (۱۴۲۰.ه.ق)، المکاسب، جلد چهارم، چاپ اول، انتشارات مجمع الفکر الاسلامی، قم، ص ۲۶۱. برابردیدن نظر مخالف شیخ انصاری مبنی بر صحیح بودن بیع کلی با توجه به قابل تعیین بودن مورد معامله در آینده، رجوع شود به نظر صاحب جواهر، جواهر الکلام، جلد ۲۳، همان، صص ۲۲۳-۲۲۲.

^{۳۳}. میرزا محمد حسین، نائینی، موسی بن محمد، نجفی خوانساری، (۱۴۲۴.ه.ق)، منیه الطالب فی شرح المکاسب، جلد دوم، چاپ‌دوم، موسسه نشر اسلامی، قم، ص ۳۶۰ به بعد. / ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد سوم، همان، ش ۵۳۰، ص ۷۴. / ناصر، کاتوزیان، همان، جلد دوم، ش ۳۹۹ - ۳۹۷ ص ۱۸۷-۱۸۱ و ناصر، کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، همان، ص ۳۴۳ (مستفاد از ماده ۳۴۲ قانون مدنی).

ت) سایر سازوکارهای تعدیل (غیر از شرط تعدیل قراردادی)

در این قسمت می‌خواهیم ساز و کارهای حمایتی غیر از شرط تعدیل در شرایط عمومی پیمان را که با هدف تغییر قیمت مقطوع قرارداد در نمونه قراردادهای پیمانکاری انجام می‌گیرد، بیان نماییم.

۱) ضریب بهنگام نمودن برآورد

در برخی از قراردادهای پیمانکاری چون قراردادهای سرجمع یا متر مربع زیربنا^{۳۴} نمی‌توان از روش شرط تعدیل برای تغییر قیمت مقطوع قرارداد و برقراری تعادل مالی در قرارداد استفاده کرد چرا که قیمت، در این نوع از قراردادها مقطوع می‌باشد و هیچ گونه تعدیلی به این نوع از پیمانها تعلق نمی‌گیرد. بنابراین روشی که در نظر گرفته شده برای برقراری توازن مالی در تمام طول اجرای قرارداد تا پایان اتمام پروژه، استفاده از روش ضریب بهنگام نمودن برآورد است.^{۳۵} ابتدا تعریفی مختصر از قراردادهای سرجمع ارائه می‌دهیم، سپس به تشریح این روش به عنوان یکی از روش‌هایی که قیمت کل قرارداد را به روز رسانی می‌کند، می‌پردازیم.

با توجه به ماده ۷ از شرایط عمومی این نمونه قرارداد، قیمت یا نرخ این پیمان، مقطوع می‌باشد و هیچ گونه تعدیلی به آن تعلق نمی‌گیرد و فقط بر اساس به پیوست شماره ۵ شرایط عمومی آن، به این پیمان، مابه‌التفاوت نرخ فولاد و سیمان، تعلق می‌گیرد به گونه‌ای که نرخ پیمان، برحسب کارهای مستقلی که قرار است، پیمانکار انجام دهد، محاسبه می‌شود و پس از اجرای موضوع قرارداد، مبلغ پیش‌بینی شده را دریافت می‌دارد.

در این نوع از قراردادها، با توجه به مقطوع بودن نرخ پیمان و عدم تعلق هیچ گونه تعدیل آحادبها، کارهای اجرایی باید در زمان پیش‌بینی شده به اتمام برسد، زیرا در صورت تأخیر پیمانکار - که حتی از تقصیر پیمانکار ناشی نمی‌شود. و در نتیجه‌ی به تعویق افتادن روند اتمام پروژه، هزینه‌های کار افزایش می‌یابد، در نتیجه پیمانکار نمی‌تواند از عهده‌ی هزینه‌های به وجود آمده برآید و منجر به ورشکستگی او می‌شود. بنابراین به منظور مصون ماندن از هر گونه احتمال تغییر قیمت در زمان اجرای کار و متضرر شدن یکی از طرفین به تبع آن و حفظ تعادل اولیه در زمان انعقاد پیمان تا پایان اتمام پروژه، راهکاری که در نظر گرفته شده این است که، در زمان انعقاد قرارداد، با استفاده از شاخص‌های (ضرایب) تعدیل، در صورتی که ابلاغ شده باشد و در غیر این صورت از نسبت رقم آخرین دوره‌ی سه ماهه ابلاغی به دوره‌ی سه ماهه‌ی مشابه سال قبل، به منظور به روز رسانی قیمت‌ها استفاده می‌شود.^{۳۶} به عبارت دیگر مقادیر دقیق اقلام کار که در فهرست بها درج شده را برآورد می‌کنند و با توجه به شاخص‌های تعدیل و در جهت متضرر شدن ناشی از نوسانات قیمت یکی از طرفین، آنها را به روز رسانی می‌کنند. پس تفاوت اصلی ضریب به‌هنگام نمودن برآورد با تعدیل نرخ پیمان، در زمان اعمال و محاسبه‌ی آن‌هاست.

³⁴. Lump Sum Contracts

³⁵. بند ۱ از قسمت الف پیوست بخشنامه پیمان اجرای کارهای ساختمانی به صورت سرجمع، ش ۱۰۰/۶۴۰۵، تاریخ: ۱۳۸۹/۲/۴

³⁶. تبصره ۲ ماده ۵ پیوست بخش نامه پیمان اجرای کارهای ساختمانی به صورت سرجمع، همان.

زمان محاسبه و اعمال ضریب بهنگام نمودن برآورد، قبل از مناقصه است در حالی که زمان اعمال و محاسبه ی تعدیل در طول جریان اجرای پروژه و با استفاده از شاخص های تعدیل صورت می گیرد. به عبارت دیگر، با استناد به بند الف از ماده ۳۷: «در آخر هر ماه پیمانکار، وضعیت کارهای انجام شده از شروع کار تا آن تاریخ را طبق نقشه های اجرایی، دستور کارها و صورت جلسه ها را اندازه گیری می نماید و مقدار مصالح و تجهیزات پای کار را تعیین می کند، سپس بر اساس فهرست بهای منضم به پیمان، مبلغ صورتوضعیت را محاسبه کرده و آنرا در آخر ماه تسلیم مهندس ناظر مینماید. مهندس مشاور، صورت وضعیت پیمانکار را از نظر تطبیق با اسناد و مدارک پیمان کنترل کرده و در صورت لزوم با تامین دلیل اصلاح می نماید و آن را در مدت حداکثر ۱۰ روز از تاریخ دریافت از سوی مهندس ناظر برای کارفرما ارسال می نماید. کارفرما صورت وضعیت کنترل شده از سوی مهندس ناظر، برای کارفرما ارسال می نماید و مراتب را نیز به اطلاع پیمانکار می رساند. کارفرما صورت وضعیت کنترل شده از سوی مهندس مشاور را رسیدگی کرده و بعد از کسر وجوهی که بابت صورت وضعیت های موقت قبلی پرداخت شده است و همچنین اعمال کسور قانونی و کسور متعلقه طبق پیمان، باقیمانده مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار را با صدور چک به نام پیمانکار، پرداخت می کند. اگر چنانچه پیمان مشمول تعدیل آحادها باشد و پس از تأیید صورت وضعیت موقت، توسط کارفرما، پیمانکار صورت وضعیت تعدیل آحادها را محاسبه کرده و در صورت تأیید کارفرما، تعدیل هرنیمه از سال را باید ظرف سه ماه از آن نیمه پرداخت نماید. پس بنابر مستفاد اجرت پیمانکار و صورت وضعیت تعدیل نیز، مرحله به مرحله و پس از انجام هر قسمت از کارهای پیش بینی شده و در جریان اجرای موضوع قرارداد، پرداخت می گردد.

۲) پرداخت مابه التفاوت مصالح

هیچ گونه تعدیل آحاد بهایی و مابه التفاوت به غیر از آن چه در پیوست شماره ۵ پیش بینی شده است، به قیمت کل قرارداد تعلق نمی گیرد و در شرایط خصوصی نیز طرفین نمی توانند برای مصون ماندن از ضرر و زیان ناشی از تغییر نامتعارف قیمت برخی از مصالح نظیر سیمان و فولاد که در اواخر سال ۱۳۸۲ افزایش قابل توجهی پیدا کرد و برای جلوگیری از تعطیل شدن برخی از پروژه ها، شرط تعدیل را پیش بینی کنند، بنابراین سازمان مدیریت و برنامه ریزی برای جبران این تفاوت احتمالی و افزایش قیمت در فولاد و سیمان در نیمه اول و دوم سال ۱۳۸۳، اقدام به ابلاغ دو بخش نامه (مابه التفاوت نرخ سیمان و فولاد پیمانهای که به صورت متر مربع زیربنا منعقد شده اند) به شماره ۱۰۱/۹۳۰۱۱ به تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۴ و (مابه التفاوت نرخ سیمان و فولاد پیمانهای که فاقد تعدیل آحاد بها می باشند) به شماره ی ۱۰۱/۱۵۳۶۲۰ به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۲۳ نمود تا از ابتدای اسفند ۱۳۸۲ به بعد، فقط پیمان هایی که پیشنهاد قیمتشان قبل از سال ۱۳۸۳ تسلیم کارفرما شده و فاقد تعدیل و مابه التفاوت مصالح هستند، بتوانند با استفاده از شرایط مندرج در این بخش نامه، تفاوت بهای سیمان و فولاد را محاسبه کرده و از بروز ضررهای احتمالی جلوگیری کرده و تعادل از دست رفته اولیه زمان انعقاد قرارداد و مورد خواست مشترک طرفین را برقرار کند.

قابل ذکر است تعدیل در قراردادهای پیمان استخدامی نیز وجود دارد زیرا، مبلغ حقوق و مزایای کارمندان پیمانی به موجب احکام قانونی به شمار آورد.

نتیجه گیری

امروزه کمتر قراردادی می توان یافت که تعادل اقتصادی و به تبع آن حقوقی بین دو طرف برقرار باشد. شروط و تعهدات اکثر قراردادهای مدنی و خصوصی افراد مانند قراردادهای دولتی متأثر از برتری یک طرفه است که از نظر توانایی اقتصادی، اجتماعی خواسته خود را بر دیگری تحمیل می کند؛ اما در قراردادهای دولتی بنا به دلایل متعدد از جمله ترجیح منافع عمومی بر منافع اشخاص خصوصی و برخورداری دولت از قوای حاکمه متمایز، عدم تعادل قراردادی مشهودتر است. قراردادهای دولتی با قراردادهای خصوصی مشترک است؛ اما ویژگی طرف قرارداد و الزامات ناشی از حاکمیت دولت را نمی توان نادیده گرفت و نیز موضوع، هدف و قواعد اختصاصی متفاوت است.

حفظ منافع ملی، اداره اموال عمومی و ثروت ها و منابع ملی، از یک سو و حفظ تعادل قراردادی، وفای به عهد باید در چهارچوب قانون خاص حاکم بر چنین قراردادهایی، موجب موازنه و سازگاری شود.

بنا به وظایف دولت بخصوص در کشور ما که بیشتر امور عمومی در اختیار دولت است، قرارداد وسیله و راهی برای تأمین نیازهای جمعی و انجام وظایف دولت است و برای نیامندی های جامعه، برقراری رفاه و عدالت، توسعه و پیشرفت زندگی اجتماعی مؤثر است. هرچند ترجیح منافع دولت بر اشخاص خصوصی متکی به دلایل منطقی متعددی است اما از سوی دیگر اصول عدالت و انصاف و نظریه موازنه بیانگر لزوم تکلیف دولت ها به توجه و حمایت از طرف دولت است. چنانکه این اصول و مبانی در اصل ۴۳ قانون اساسی تبلور یافته است؛ تا آنجا که دولت را مکلف به ایجاد شرایطی می کند که ضمن جلوگیری از بهره کشی از افراد، همه ی افراد بتوانند در شرایط یکسان به امکانات اقتصادی و انتخاب شغل مورد نظر خود دست پیدا کنند. از آنجا که تحقق این اصول و مبانی از طریق سازوکارهایی از قبیل تعدیل امکان پذیر است در این مقاله نقش و جایگاه تعدیل در راستای حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای دولتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بررسی قوانین حاکم بر معاملات دولتی در ایران نشان می دهد که قوانین و مقررات مربوط به تعدیل در قراردادهای دولتی با ایراداتی مانند پراکندگی قوانین، به روز نبودن قوانین، عدم شفافیت در قوانین و تبعیض در معاملات دولتی مواجه است. در همین راستا و در جهت حمایت از طرف ضعیف و رفع خلاء های قانونی لازم است که قانونگذار نسبت به پیش بینی ساز و کارهای تعدیل در تمام قراردادهای دولتی و شرایط اعمال آن آنگونه که از طرف ضعیف حمایت لازم به عمل آید، اقدام به قانونگذاری کند. و همچنین به جای روش تعدیل به شکل کنونی و افزایش درصدی به قیمت ها، از روش مذاکره ی مجدد استفاده کند. چرا که این روش به شکل

بہتر و دقیق تری می تواند از طرف ضعیف حمایت کند و از شفافیت و درجه ی انصاف و عدالت بیشتری نسبت به روش تعدیل قیمت برخوردار است.



- ۱- انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، جلد چهارم، چاپ اول، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- دراهکی، حیدر تعدیل به عنوان یکی از طرق جبران خسارت، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان، ۱۳۷۷.
- ۳- رامک، حمیدی جو و دیگران، مکاتبات پیمان، چاپ دوم، انتشارات انصاری، تهران، ۱۳۸۷.
- ۴- نوریان، امیر، آثار حقوقی قرارداد اداری موضوع شرایط عمومی پیمان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ۱۳۷۵.
- ۵- نائینی، میرزا محمد حسین، موسی بن محمد، نجفی خوانساری، (آثار قرارداد در رابطه دو طرف و نسبت به اشخاص ثالث)، ج ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- ۶- صاحب جواهر، جواهر الکلام، جلد ۲۳.
- ۷- صادقی مقدم، محمدحسن، تغییر در شرایط قرارداد، ج ۱، تهران: دادگستر، ۱۳۷۹.
- ۸- طباطبائی مومنی، منوچهر، حقوق اداری، نشر سمت، ۱۳۸۳.
- ۹- عمادزاده، محمد کاظم، حقوق بین الملل عمومی، ج ۲، تهران: انتا، ۱۳۷۰.

